

نابرابری و شکاف بین شهر و روستا

در کشورهای جهان سوم و ایران

نابرابری و شکاف بین شهر و روستا

دکتر حسین آسایش

استاد دانشگاه

در کشورهای جهان سوم

قسمت اول

بهداشت انسانی و حیوانی، کیفیت عمومی محصولات، وضعیت دامپروری، طرز معامله یا مصرف محصولات آنان، سنن و آداب و رسوم اجتماعی و مذهبی، موقعیت جغرافیایی، سوابق تاریخی و روابط عمومی، روابط شهر و روستا، وضعیت راههای اصلی و فرعی، صنایع روستایی و نظایر آنها، بررسی و تحقیق نمود. بعد با دقت کامل و با توجه به اطلاعات بدست آمده، توسط افراد مطلع و مجرب و با در نظر گرفتن زمان و مکان، بهترین طرحهای مناسب و مفید را برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان تهیه و به مورد اجرا گذاشت.

● وسعت و ابعاد مسائل روستا

امروزه، در آخرین سالها از قرن بیستم، در حالی که بیش از دو قرن از انقلاب صنعتی و سه دهه از اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در جهان می‌گذرد، برای اکثریت روستانشینان جهان سوم، توسعه یعنی، تأمین حداقل معاش، برای فردی که بر خلاف تلاش و کوشش مستمر خود و خانواده‌اش، مجبور است با حداقل مواد غذایی و کمترین امکانات آموزشی و درمانی سازگاری پیدا کند، توسعه یک سراب است، طبیعی است که در چنین کشورهایی، برنامه‌ریزان در کنار مجریان برنامه‌ها، با دهها مسأله مبهم و گاه بد وزن حل روبرو گردند. محرومیت روستایی چیست؟ کجا، چگونه و چه زمانی در روستاها آغاز شد؟ علل اصلی محرومیت روستایی کدامند؟ آیا عوامل جغرافیایی، کمی از توای نه‌های محیطی، خصوصیت نژادی، دینی یا فرهنگی، محرومیت جوامع روستایی را موجب گردیده‌اند؟ آیا آن گونه که معروف است، استعمار یا

مورد یکی از متخصصین آمار چنین می‌گوید: "من از اعداد و ارقام بیم دارم، زیرا این ارقام با نیروی جادویی خود می‌داند که در آینده چند نفر از نوزادان امروز به چه مشاغلی در زندگی آینده خواهند رسید و اطرفیان و خود من تقریباً چند سال زنده خواهیم ماند ... من از صراحت آمار و ارقام می‌ترسم."

منظور از مطالعه و شناخت روستا (بطوری که در بعضی از طرحهای جامع و هادی مهندسیین مشاور دیده می‌شود، نشان دادن مجموعه‌ای از آمار و ارقام و نمودارهای رنگارنگ یا نظرات و برنامه‌های دسته‌بندی شده و آراسته نیست و خودش هم به تنهایی هدف نمی‌باشد. بلکه، جزئی از یک تلاش کلی در جهت ایجاد و تکمیل یک جامعه و نظم اجتماعی جدید، براساس سنتهای بسنیدیده و تجربه شده گذشته می‌باشد.

این مقاله سعی بر آن دارد، تا با توسل به دلایل و شواهد متعدد و ارقام و اعداد مستند و به استناد مدارک و اسناد معتبر کشور و جهان، برای چندمین بار مشخص کند که شناخت وسعت و ابعاد مسأله روستا، به طور اعم و نابرابری بین شهر و روستا، به طور اخص، سرآغاز تحولی بزرگ در جامعه روستایی و همچنین جامعه وابسته به آن، یعنی شهرها خواهد بود.

البته شناخت و معرفی مسائل روستاها، تنها با جمع‌آوری ارقامی چند بوسیله مؤسسات و سازمانها، بدون توجه کامل، به عوامل انسانی و تواناییهای محیطی و روابط آن دو، امکان‌پذیر نیست؛ بلکه، لازم است در این گونه موارد، تمام جنبه‌های فیزیکی و اقتصادی - اجتماعی روستاها را از لحاظ تغذیه و

مقدمه:

ممکن است در بدو امر تعیین و تشخیص ده یا روستا و تعیین مرزهای آن و در نهایت تمیز ده از شهر کاری آسان به نظر آید. ولی این تصور، ساده‌اندیشانه است. زیرا تعریف ده و تفکیک آن از شهر، در عصر روستانشینی شهری یا "شهرهای دهقانی" کاری ساده نیست. به همین علت است که تعریف ده و شهر در دهه‌های اخیر، مورد بحث دانشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. هر کدام ملاک معینی را، برای تعریف حدود این دو سکونتگاه همجوار، ولی متفاوت انتخاب کرده و کتابها و مقالاتی نوشته‌اند. این، بدان دلیل است که عوامل متعدد و جامع‌الجهات، در بررسی این دو محیط، باید مدنظر قرار گیرند، که گاهی مورد بی‌توجهی واقع می‌شوند. ما در این بحث از اصول تعیین و تشخیص مرکز آمار ایران استفاده کرده‌ایم. البته این نیز، به نوبه خود قابل اطمینان نیست و بنا به دلایل مذکور، ناقص است، زیرا در ایسن تعیین و تشخیص، اصلاً جنبه‌های جامعه‌شناسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته نشده است. تعداد زیادی از شهرهای ایران، با وجود جمعیت نسبتاً قابل توجه، از لحاظ اصول شهرنشینی سیمای دهکده‌های بزرگ را دارند.

نکته قابل توجه در این مقاله استناد به ارقام و اعداد مستند است که این ارقام و اعداد، هر چند به ظاهر، جنبه کمی دارد، اما در حقیقت جنبه‌های کیفی زندگی را می‌نمایاند. همین اعداد خشک، بی‌روح و بی‌زبان وضع اقتصادی و اجتماعی بشر را گویاتر از هر گوینده‌ای بازگو می‌کند و به تصویر می‌کشد. در این

استعمار، علتی برای عقب ماندن و یا عقب نگهداشتن این جوامع به حساب می آید؟ بالاخره کلید اصلی رفع محرومیت یا لااقل کاهش نابرابری بین شهر و روستا، کدام است؟ برای رفع محرومیت و پرکردن شکاف عمیق بین شهر و روستا، از کجا و چگونه باید شروع کرد؟ اقداماتی باید صورت گیرد و چه قدمهایی باید برداشته شود، تا این نابرابری و فاصله بین شهر و روستا از بین برود و یا کم گردد؟ آیا در صورت فراهم بودن سرمایه و دسترسی به صنایع یا تکنولوژی پیشرفته، می توان این شکاف را از بین برد و روستاییان را از محرومیت نجات داد؟ پاسخ به این پرسشها، مسؤولیتی بزرگ را برای اندیشمندان، برنامه ریزان، پژوهشگران و مسؤولین اجرایی در همه کشورهای جهان سوم، به طور اعم و در کشورهای فقیرتر، که اکثریت جمعیت کشورهايشان را روستاییان تشکیل می دهند، به طور اخص، بوجود می آورد. بنابراین، شناخت وسعت و ابعاد مسائل روستاها و تهیه برنامه ها و نهادهایی مناسب برای تجهیز، پرورش و بسیج این نیروها در چهارچوب ارزشهای اسلامی و فرهنگی، برای نیل به اهداف محرومیت زدایی انسانهایی که محکوم طبیعت و احتمالاً انسانهای سلطه گر هستند و برای بقاء و زنده ماندن مبارزه می کنند، از وظایف اصلی پژوهشگران و کارگزاران دولتهای مردمی است. مقاله حاضر، کوششی در این مسیر است. (۱)

مسائل

مسائل جمعیتی

روستا و روستائینی، بحثی نیست که فقط مربوط به کشور ما یا کشورهای جهان سوم باشد، بلکه گسترده اش، تمام کشورهای جهان، اعم از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته را در برمی گیرد. به جرأت می توان گفت: این گسترده، به پهنای زمین مسکونی بشر وسعت دارد. زیرا، هیچ فردی در سطح کره زمین پیدا نمی شود که از تولیدات روستا و کشاورزی بی نیاز باشد. خواه این فرد غنی باشد و در خانه های ویلایی حومه شهرها و بزرگ دنیا در پاریس و لندن و واشنگتن که دارای باغهای مشجر هستند، زندگی کند یا در طول سواحل پرتالو مدیترانه، یا در کلبه های آسمان خراشهای صد طبقه نیویورک، یا در کلبه های حصیری بدنام و فشرده بهم در فاولا (Favella) یا در زاغای بر روی تلی از خاک در هندوستان، حیات خود را بگذراند.

بر اساس آمارهای موجود، در سال ۱۹۹۵ بیش از ۵۷ درصد از ساکنین جهان در سکونتگاههای روستایی زندگی می کردند. (۲)

یعنی بالغ بر ۳/۲۵۰ میلیارد انسان که عددی بسیار بزرگ و گیج کننده است.

البته این ارقام، روستا، شهرها یا شهرهای دهقانی با جمعیت کمتر از صد هزار نفر را شامل نمی شود. برای این که این رقم واقعی تر باشد، معمولاً

جمعیت شناسان، جمعیت شهرهای زیر صد هزار نفر را نیز، بر آن می افزایند. در اصل هم نمی توان آنها را بویژه، در کشورهای جهان سوم، جزء جمعیت شهرنشین محسوب کرد.

بر اساس برآورد بخش جمعیت شناسی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵، حدود ۱۵ درصد از جمعیت دنیا، در «روستا-شهرها» زندگی می کردند که با این حساب، کل جمعیت روستاییان از مرز ۷۰ درصد می گذرد.

در کشورهای کمتر توسعه یافته، آفریقا و آسیا سهم جمعیت روستایی نسبت به کل جمعیت هر کشور، از ۹۰ درصد هم فراتر می رود. برای مثال، در رواندا (Rwanda) در افریقای شرقی، ۹۵ درصد جمعیت روستایی هستند. این نسبت برای کشورهای بروندی (Burundi) و اوگاندا، به ترتیب عبارت است از: ۹۴ درصد و ۹۰ درصد، کشورهای آسیای جنوبی نیز تقریباً همین وضعیت را دارا هستند. جمعیت روستایی کامبوج بالغ بر ۸۹ درصد، در نیپال ۹۰ درصد و در بنگلادش ۸۳ درصد کل جمعیت را تشکیل می دهند.

جدول شماره (۱) توزیع جمعیت روستایی را به تفکیک مناطق مختلف در قاره آفریقا و آسیا نشان می دهد. ارقام و اعداد ذکر شده در جدول مذکور گویای این است که از کل جمعیت قاره آفریقا ۶۹ یا بیش از $\frac{2}{3}$ در روستاها زندگی می کنند، که سهم کشورهای واقع در افریقای شرقی به ۷۷ درصد می رسد. یعنی، از هر ۱۰ نفر از ساکنین این کشورها، فقط ۲ نفر در شهرها زندگی می کنند. در کشورهای واقع در آسیای جنوب شرقی و مرکزی ۶۳ درصد در شهرها زندگی می کنند. در کشور نیپال از هر ده نفر، ۹ نفر در روستاها ساکن هستند.

این واقعیت که حدود $\frac{2}{3}$ جمعیت جهان، در مناطق روستایی ساکن هستند، علاوه بر این که توجیه کافی و مناسبی برای بذل توجه به وسعت ابعاد مسأله روستا

جدول شماره ۱ روستائینی در جهان به تفکیک مناطق و قاره ها در سال ۱۹۹۵

مناطق	کل جمعیت (میلیون نفر)	درصد روستائین	جمعیت روستائین (میلیون نفر)
جهان	۵/۷۰۲	۵۷	۲/۲۵۰
کشورهای توسعه یافته	۱/۱۶۹	۲۶	۱/۳۰
کشورهای در حال توسعه	۲/۵۲۳	۶۵	۲/۹۵۸
کشورهای در حال توسعه منهای چین	۳/۳۱۴	۶۲	۲/۰۵۴
قاره آفریقا	۷۲۰	۶۹	۴۹۶/۸
قاره آسیا	۳/۲۵۱	۶۷	۲/۳۱۲
قاره آمریکا	۷۷۴	۲۷	۲۰۸/۱۹۸
قاره اروپا	۷۰	۳۰	۲۱/۱
قاره (اقیانوس) اقیانوس	۲۸	۲۹	۸/۶۲

جدول ۲ توزیع جمعیت روستایی و شهری جهان (۲۰۰۰ - ۱۹۵۰) میلیون نفر

سال	۱۹۷۵	۱۹۵۰	۲۰۰۰	۲۰۲۵
شهری	۱۶۴۹+۱۵۵۱	۸۵۰+۷۰۱	۳۲۰۰	۵۰۶۵
روستایی	۷۷+۲۴۴۷	۶۵۲+۱۷۸۴	۳۲۰۷	۳۲۲۹
جمع	۳۹۸۸	۲۴۸۵	۶۴۰۷	۸۲۹۴

مأخذ: برابر، بانک جهانی، واشنگتن

مأخذ: WORLD POPULATION DATA SHEET 1995

روستایی نیز بر همین قرار است (سومالی ۸۰ درصد، نیجر بیش از ۸۰ درصد، تانزانیا ۸۳ درصد، روتندا ۸۲ درصد...)، کمترین میزان، متعلق به کشورهای نظیر: کانادا (کمتر از ۵ درصد)، ایالات متحده آمریکا (۳/۱ درصد)، بلژیک (کمتر از ۳ درصد) و بریتانیای کبیر (۲/۶ درصد) بوده است.^(۵)

به طور خلاصه و در یک کلام، می‌توان گفت: علیرغم کنشها و واکنشهای گوناگون دولتهای جهان سوم، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد نیروی کار کشورهای کم درآمد و بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط، در بخش کشاورزی روستایی متمرکز می‌باشند.^(۶)

(نقشه شماره ۲) تعداد کشاورزان برای ۱۰۰ فرد ساکن روستاها در جهان را نشان می‌دهد. البته، این یک بعد از ابعاد مسأله روستاست، که به نوبه خود اهمیت و جایگاه روستا و توجه به آن را، در صحنه‌های منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی کشورهای در حال توسعه، بازگو و تأکید می‌کند. اما بعد دیگر،

کیفیت بسیار رفت‌وآمد زندگی در مناطق روستایی این کشورهاست، که اقدام سریع، ابتکاری، مداوم و بی‌وقفه را در چهارچوب نظام دقیق برنامه‌ریزی روستایی می‌طلبد، و این هم ممکن نیست، مگر، با شناخت دقیق مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاها. در حال حاضر، وجوه مشترکی از زندگی معیشتی را، می‌توان برای تمامی جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم فرض نمود. این خصوصیات مشترک عبارتند از:

- ۱ - کشاورزی روستایی به معنی اعم آن شامل: زراعت، صیادی، شکار و دامداری با شیوه سنتی، محور اصلی فعالیتهای اقتصادی است و بیش از سه چهارم نیروی کار، در این بخش فعالیت دارد.
- ۲ - بازدهی تولید بسیار پایین بوده و تابع تولید سنتی و محدود به متغیرهای ثابتی چون زمین، نیروی کار و سرمایه است.
- ۳ - علوم و فنون، فقط محدود به یافته‌ها و تجارب انباشته شده پیشینیان است.
- ۴ - شناخت روستایی از طبیعت و محیط اطرافش محدود است. اوام و خرافات، مانعی جهت تحول بیشتر فکری است. اکثراً روستاییان خود را مُسخر و

محکوم طبیعت می‌بینند. به عبارت روشن‌تر، حوادث طبیعی، معمولاً تعیین‌کننده سرنوشت انسان در این مناطق بوده‌است و عدم اعتماد به نفس و محدودیت اندیشه و تفکر آزاد، خلاقیت و نوآوری را، که ویژگی اصلی جوامع پویاست، محدود می‌کند.

۵ - درآمد در حد رفع نیازهای اولیه و تأمین حداقل معاش است. در نتیجه، مازاد تولید و انباشت پس‌انداز، به منظور سرمایه‌گذاری، اندک و در حکم هیچ می‌باشد.

فرض مسلم آن است که، پایین بودن پس‌انداز و ظرفیتهای تولیدی، جوامع را به حالت سکون و استمرار "دور باطل" رهنمون می‌شود، که هم اکنون در جوامع روستایی جهان سوم حکمفرماست.^(۷)

پیامدهای فقر روستایی

مسأله اساسی‌تر و مهمتر: فقر در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در مناطق روستایی این کشورهاست. بیشتر مردم جهان فقیر هستند و بسیاری از مردم فقیر جهان، در بخش کشاورزی با بخور و نمیر زندگی می‌کنند.

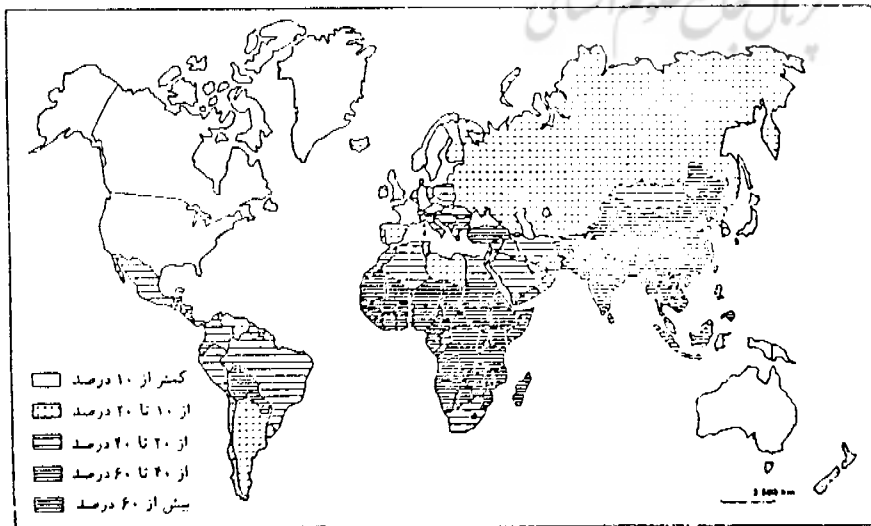
مطالب ارائه شده در بالا و آمارهای ذکر شده در جداول، همه مآجر نیست، عظمت و هراس‌انگیزی قضایا، وقتی ماهیت اصلی و واقعی خود را نشان می‌دهد، که بدانیم، بیش از سه چهارم مردم فقیر

جهان، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. تقریباً ۴۰ درصد روستاییان تمام کشورهای درحال توسعه، در فقر مطلق به سر می‌برند، در کشورهای کم درآمد، این رقم به ۷۲ درصد می‌رسد. این نسبت‌ها، برای شهرها به ترتیب ۲۷ و ۵۹ درصد در سالهای اخیر ۱۹۹۰ - ۱۹۹۰ می‌باشد ۹۰ درصد روستاییان رواندا و جمهوری مرکزی آفریقا، در سالهای ۹۲ - ۱۹۹۰ و ۸۵ درصد از جمعیت روستایی کشورهای مالاوی، سودان، نیجریه، برونڈی و ۸۰ درصد روستاییان کشور هائیتی و زئیر زیر خط فقر زندگی می‌کردند. این نسبت برای کشورهای بنین، سرالئون، سومالی، نیپال، اتیوپی و گینه نو، ۶۵ درصد می‌باشد.^۸

بیش از یک میلیارد انسان، که تقریباً ۱/۴ جمعیت جهان و ۱/۳ جمعیت کشورهای در حال توسعه هستند، در فقر مطلق زندگی می‌کنند. طبق محاسبه فائو، نصف این جمعیت، که فقیرترین گروه‌ها هستند و به طور مزمّن از کمبود مواد غذایی رنج می‌برند، بیشتر از جمعیت همه کشورهای جامعه اروپا (جوامع اروپایی و آمریکا) است. (۱۰-۹)

تنها در آفریقا، در سال ۱۹۸۳، حدود ۱۲۰ میلیون انسان، یعنی ۱/۴ ساکنان این قاره، در معرض خطر مرگ ناشی از گرسنگی قرار داشتند. البته در بسیاری از مناطق دیگر، وضع مشابهی حاکم است. این انسانها بدون شک در کشورهایی زندگی می‌کردند، که اکثریت

نقشه (۱) درصد جمعیت کشاورز نسبت به جمعیت فعال در جهان (۱۹۸۵)



جمعیت آنها روستاییانی بودند که از گرسنگی "سیاه" یا از گرسنگی "سفید" از بین رفته‌اند. (۱۱)

بر اساس مطالعات صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (ایفاد)، در ۱۱۴ کشور جهان سوم، امنیت غذایی عمده‌ترین دل‌مشغولی کشورهای در حال توسعه است. در حدود ۱/۳ کشورهای مورد مطالعه (۱۱۴ کشور)، در سال ۱۹۸۸ در سطح پایین امنیت غذایی بسر می‌پردند. این کشورها، دارای ارزش شاخص امنیت غذایی کمتر از ۸۰ درصد هستند. در بین آنها، کشورهایی کوچک با ظرفیت محدود غذایی وجود دارد، که عبارتند از: جیبوتی - عمان - گرانادا - آنتی‌گوا - باربادوس - مالدیوس - مالتا و جزایر کومروس - تونس - اردن - فی‌جی و ... به طور کلی، با نگاهی به مناطق مختلف، مشخص می‌شود که، از کشورهای واقع در جنوب صحرائی آفریقا، ۲۱ کشور از امنیت غذایی ضعیف و ۲۲ کشور، متوسط و فقط ۲ کشور از امنیت غذایی بالایی برخوردارند (جدول شماره ۶).

در این جدول سطح امنیت غذایی ۴۵ کشور کمتر توسعه یافته عضو ایفاد، نشان داده می‌شود، که وضعیت ناپایداری دارند و از این تعداد، ۲۲ کشور، با امنیت غذایی روبرو هستند. (۱۲) (گرافیک صفحه ۳۱ از کتاب فقر روستا)

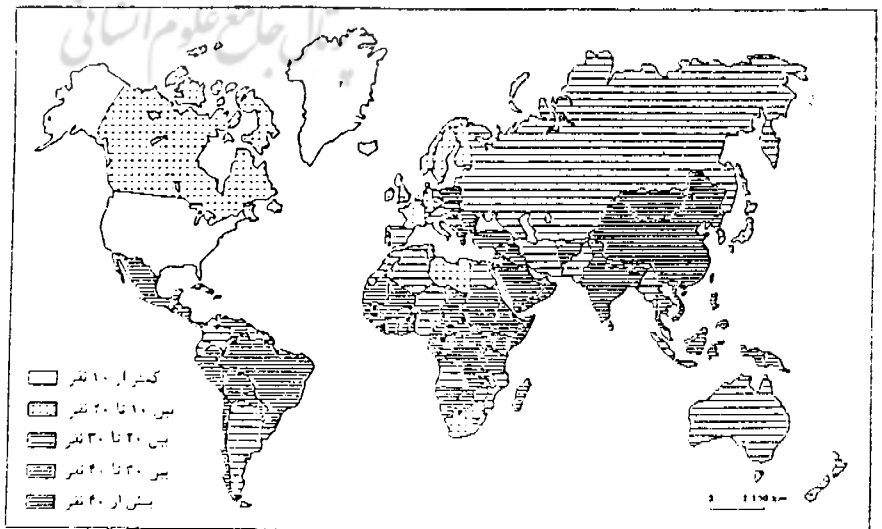
بر اساس یک بررسی سازمان جهانی کار سازمان ملل متحد، در دهه ۷۰ و ۸۰، در آمریکا لاتین، حدود

۱۱۰ میلیون نفر، یعنی بیشتر از ۳/۴ جمعیت این قاره در فقر مطلق زندگی می‌نمودند. ۷۰ میلیون نفر از آنها، به صورت گدا زندگی می‌کردند. یک کمیسیون اقتصادی سازمان ملل، گزارش می‌دهد: ۴۲ درصد بزرگسالی‌ها ۴۳ درصد مردم کلمبیا، ۲۹ درصد مردم شیلی، ۳۵ درصد مردم اکوادور، ۴۹ درصد ساکنان هندوراس، ۳۱ درصد اهالی مکزیک ۴۵ درصد جمعیت پرو (در دهه ۷۰) درآمدی داشتند، که برابر حداقل هزینه غذا بود.

شنیدنی است که در آمریکای شمالی، بر اساس سرشماری رسمی سال ۱۹۹۰، بیش از ۱۴ درصد مردم، در زیر خط فقر زندگی می‌کردند. لازم است نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شکاف بین وضع زندگی شهری و روستایی در جوامع در حال توسعه و یا توسعه نیافته به آگاهی کلیه افراد بشرد، به ویژه شهرنشینان برسد. این یکی از ضروریات زمان است که از این واقعیتها، که بیش از ۱/۳۰۰ میلیارد نفر جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار داده است، آگاه باشیم، نمایش اعداد و ارقام بی‌روح ولی خیلی گویا، به خودی خود بیانگر وضع بحرانی می‌باشند. در پشت این ارقام صامت و بی‌روح، تراژدی گرسنگی، بی‌آبی، بی‌درمانی، بی‌سوادی و ... و فقر و فراموشی میلیونها نفر در جهان نهفته است.

این سیمای وحشتناکی است که جهان روستا را، از دنیای شهری مشخص می‌کند و از این گذشته، باید

(نقشه ۳) - تعداد کشاورزان برای ۱۰۰ فرد ساکن روستاها در جهان (۱۹۸۵)



● در میان کشورهای در حال رشد، به استثنای چند کشور که سریعاً گام در راه صنعتی شدن نهاده‌اند (ایران) و حتی سریعاً در حال دستیابی به شرایط کشورهای رشد یافته هستند (آرژانتین، کره جنوبی)، تعداد روستائینان همچنان رو به افزایش است و گاه‌شتابی بسیار به خود می‌گیرد. به طوری که هند در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۵ به میزان ۴۲ درصد (۱۶۵ میلیون نفر)، در چین ۱۸/۵ درصد (۱۱۰ میلیون نفر) و در تایلند ۶۰ درصد (۱۶/۳ میلیون نفر) بر تعداد جمعیت روستایی افزوده شده است.

● لازم است نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شکاف بین وضع زندگی شهری و روستایی در جوامع در حال توسعه و یا توسعه نیافته به آگاهی کلیه افراد بشر، به ویژه شهرنشینان برسد. این یکی از ضروریات زمان است که از این واقعیتها، که بیش از ۱/۳۰۰ میلیارد نفر جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار داده است، آگاه باشیم، نمایش اعداد و ارقام بی‌روح ولی خیلی گویا، به خودی خود بیانگر وضع بحرانی می‌باشند. در پشت این ارقام صامت و بی‌روح، تراژدی گرسنگی، بی‌آبی، بی‌سوادی و ... و فقر و فراموشی میلیونها نفر در جهان نهفته است.

جدول ۶ - توزیع فراوانی ۱۱۳ کشور از نظر وضعیت امنیت غذایی ۱۹۸۸

مناطق	وضعیت امنیت غذایی (تعداد کشور)		
	بالا	متوسط	پایین
کشورهای جنوب صحرائی آفریقا	۲	۲۲	۲۱
ناوردک و شمال آفریقا	۷	۲	۲
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۶	۱۶	۷
سنگ	۲۰	۳۷	۱۱۳
کشورهای توسعه یافته	۲	۱۸	۲۲

به دلیل کمبود اطلاعات، شاخص امنیت غذایی کره شمالی محاسبه نشده است.

گفت، نابرابری و بی‌عدالتی بزرگی که در داخل کشورهای جهان سوم موجود است، کاملاً در این اعداد و ارقام مشخص نیست. به عنوان نمونه ۳۱/۹ میلیون نفر از کل مردم فقیر در کشور ایتوبی، در سال ۱۹۹۲، فقط ۲/۶ میلیون نفر یا ۸ درصد در شهرها زندگی می‌کردند. در افغانستان نیز دقیقاً وضع به همین منوال است (۹۲ درصد روستائین و ۸ درصد شهرنشین دچار فقر بودند).

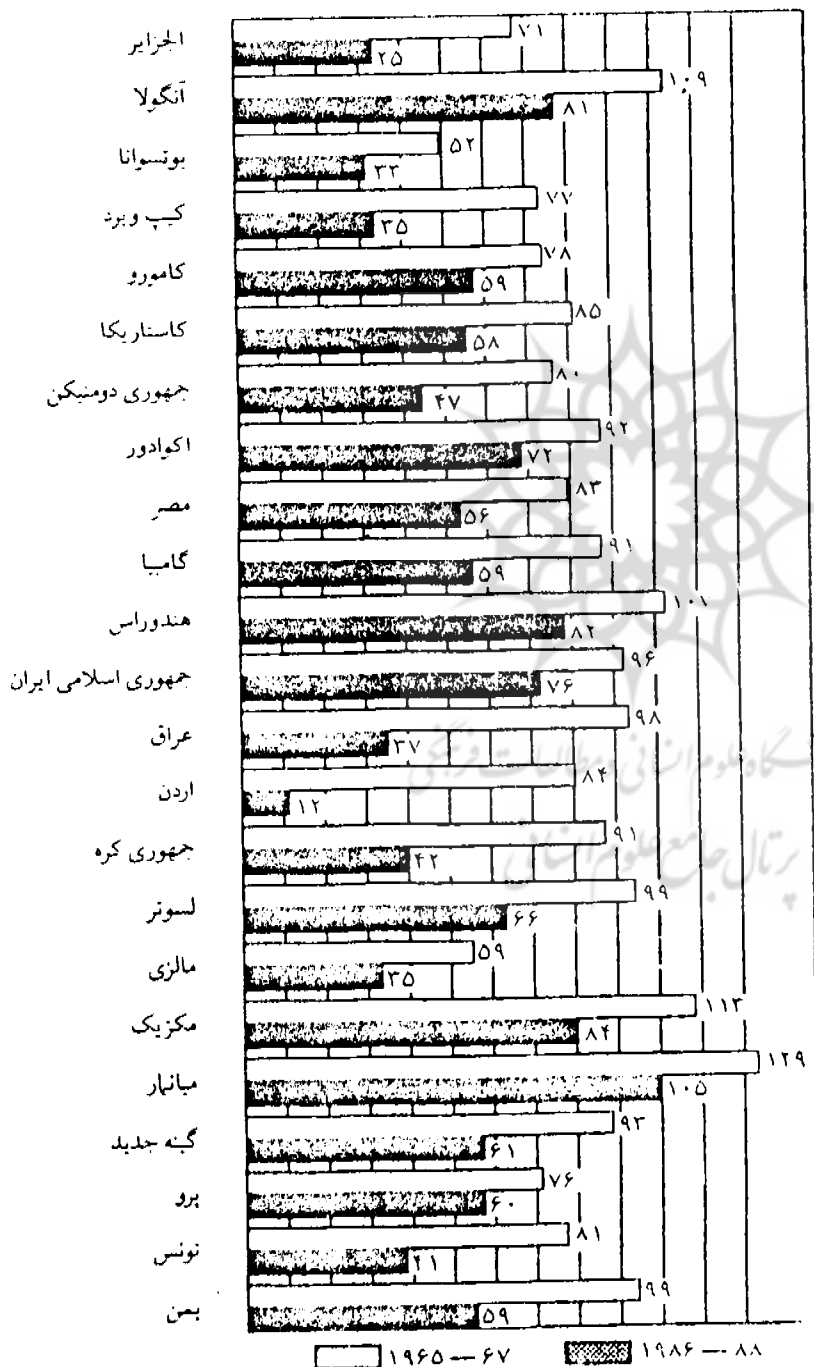
آلودگی، امراض و کبود بهداشت از مسائل اصلی روستاها می‌باشند، که به همراه کمبودهای دیگر، وضع اجتماعی نامناسب روستاهای کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد. در حالی که، در روستاهای کشورهای پیشرفته "امید به زندگی" افراد، بین ۷۲ تا ۷۴ سال می‌باشد. این رقم، در مورد کشورهای در حال توسعه، ۵۵ سال است. این بدان معنی است که روستاییان کشورهای توسعه یافته، به طور متوسط ۱۷ سال بیش از روستاییان کشورهای در حال توسعه، زندگی می‌کنند. این مسأله بیشتر بخاطر کمبود بهداشت است. البته مسأله تنها، در مورد امکان داشتن زندگی طولانی‌تر نیست؛ بلکه، در سایر زمینه‌ها، مثل پیری زودرس نیز، این وضع حاکم است. بدین ترتیب، در حالی که در روستاهای کشورهای پیشرفته، سن کمال در حدود ۴۵ سالگی است، در کشورهای فقیر جهان، ساکنین این کشورها، در این سن می‌میرند.

بر اساس آمار و ارقام سازمان بهداشت جهانی (WHO)، در کشورهای خیلی فقیر، از میان هر هزار نوزاد، ۲۰۰ نوزاد قبل از یک سالگی و ۱۰۰ کودک قبل از ۵ سالگی می‌میرند و فقط ۵۰۰ نفر به سن ۴۰ سالگی می‌رسند. یونسف برآورد کرده است که، در دهه‌های اخیر، به طور متوسط، سالیانه ۱۷ میلیون بچه کمتر از ۵ سال در جهان می‌میرند. از هر ۱۰ بچه تولد یافته در کشورهای فقیر، ۹ نفر آنها از مراقبت‌های بهداشتی به دورند و تعداد خیلی کمی، در برابر بیماری‌های مسری واکسینه می‌شوند. سوء تغذیه، آلودگی، امراض عفونی وانگلی که به خاطر فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی سرایت می‌نمایند، از دلایل اساسی مرگ و میر بچه‌ها، در روستاها کشورهای توسعه‌نیافته هستند. (۱۳)

بدین ترتیب، می‌توان گفت: اگر بناست که مفهوم توسعه پایدار، در "عصر غذا" معنای واقعی داشته باشد، لازم است که رابطه نزدیک بین فقر جهانی و پایداری جهانی، به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

قشرهای انبوه فقیر که در روستاها در تلاش بقای روزبروزند، غالباً منابع لازم را برای ادامه زندگی خود ندارند. آنچه در این جوامع، در معرض خطر قرار دارد نه کیفیت زندگی، که خود زندگی است.

نمودار: نسبت خودکفایی مواد غذایی در کشورهای منتخب ۱۹۶۵-۱۹۶۷ و ۱۹۸۶-۱۹۸۸



در جدول شماره ۷ طبقه بندی مناطق بر اساس فقر یکپارچه نشان داده شده است.

۸۰ درصد کشورهای جنوب صحرای افریقا در گروه فقر شدید، ۵۸ درصد کشورهای آسیایی، ۴۴ درصد کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، ۱۵ درصد کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا، به ترتیب در فقر شدید و متوسط رتبه بندی می شوند. (۱۴) اطلاعات موجود، افزایش فقر جمعیت مناطق روستایی ۴۱ کشور را در جهان توسعه یافته نشان می دهد. این افزایش در حدود ۲۰۱ میلیون نفر است. یعنی جمعیت فقیران روستایی کشورهای فوق، از ۵۱۱ میلیون به ۷۱۱ میلیون نفر رسیده است. جدول شماره ۸ جمعیت مناطق روستایی که در زیر خط فقر به سر می برند، در کشورهای منتخب را، در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۸۵، نشان می دهد.

به نظر کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (ایفاد)، بنا بر موازین سنجش فقر، در کشورهای ایران، اکوادور، گواتمالا، هند، مراکش، نیپال، پاکستان و تانزانیا، رشد سریع جمعیت، به گسترش فقر و افزایش تعداد فقیران انجامیده، ولی در فاصله سالهای ۸۸ - ۱۹۶۵ درصد جمعیت زیر فقر، در مناطق روستایی این کشورها کاهش یافته است.

باز توزیع منابع به روستاییان از طریق بهبود وضعیت بهداشتی، آموزشی و غذایی آنها، نه تنها به دلیل آن که تواناییهای آنها را در جهت ادامه حیات سفید و راضی کننده، گسترش می دهد، ذاتاً دارای اهمیت است؛ بلکه، چنین اقدامی به دلیل افزایش سرمایه انسانی آنها و تأثیر پایداری نیز بر آینده خواهد داشت. برای مثال، افزایش کلی در سطوح تعلیم و تربیت آنها بر میزان بهره‌زایی و قدرت ایجاد درآمدهای بالاتر - چه در حال و چه در آینده - خواهد افزود.

در الگوی توسعه انسانی پایدار، حیات انسانی فی نفسه واجد ارزش و اهمیت است. در این الگو یک حیات فردی را، بیش از زندگی دیگران ارج نمی نهند.

جدول ۷: فقر یکپارچه منطقه‌ای ۱۹۸۸

منطقه	فقر شدید (۱۹۷۰-۱۹۸۰)	فقر متوسط (۱۹۷۰-۱۹۸۰)	فقر بسیار کم (۱۹۷۰-۱۹۸۰)	جمع
آسیا	۱۴	۶	۲	۲۲
جنوب صحرای افریقا	۲۶	۶	۴	۳۶
خاور نزدیک و شمال افریقا	۲	۳	۸	۱۳
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۱۲	۱۱	۷	۳۰
جمع	۲۲	۲۰	۱۲	۵۴
کشورهای کمتر توسعه یافته	۳۵	۷	...	۴۲

هیچ نوزادی، نباید به دلیل آنکه اتفاقاً در "روستا" یا "کشور فقیر" تولد یافته است، محکوم به مرگ زودرس یا زندگی فلاکت بار گردد.

گزارش توسعه ۱۹۹۴، با چنین برداشتی، در زمینه فقر، در جوامع مختلف و بویژه در روستا، هشدار می دهد. می گوید: "فقر بزرگترین خطری است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت طبیعی کره زمین را تهدید می کند. راهبردهای معطوف به کاهش فقر، بویژه در روستاها، مطمئناً همه جنبه‌های سیاستگذاری ملی را در بر خواهد گرفت. برخی درسهایی برآمده از تجربیات کشورها، در کاهش میزان فقر، عبارتند از:

- خدمات اجتماعی اساسی: دولت باید، توزیع گسترده خدمات اجتماعی اساسی برای فقرا را، بویژه از بابت آموزش و پرورش پایه‌ای و مراقبتهای بهداشتی اولیه در روستاها، تأمین نماید.

- اصلاحات ارضی: از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، بخش بزرگی از فقر در مناطق روستایی تمرکز یافته است، راهبردهای معطوف به کاهش فقر، غالباً مستلزم توزیع یا باز توزیع عادلانه زمین و منابع کشاورزی است.

- اعتبار برای همه: تأمین امکانات برابر در شهر و روستا، از بابت دسترسی به اعتبار، یکی از کارسازترین روشهای گشودن بازارها، به روی فقر است. ضوابط داشتن ارزش اعتباری، باید تغییر یابد و مؤسسات اعتباری باید غیر متمرکز شوند.

- اشتغال: بهترین روش برای گسترش منافع رشد به روستاییان و درگیر کردن آنها در افزایش محصول، عبارت است از: توسعه سریع فرصتهای اشتغال مولد و ایجاد چارچوبی برای تأمین معاشی پایدار، برای همه در روستاها.

- مشارکت: هر گونه راهبرد ماندگاری، برای کاهش میزان فقر و نابرابری شهر و روستا، باید غیر متمرکز و مبتنی بر مشارکت مردم باشد. در صورتی که، روستاییان حتی در طراحی توسعه اقتصادی، مشارکتی نداشته باشند، قادر به استفاده از نتایج آن نخواهد بود.

- رشد اقتصادی: تلاشهای معطوف به توسعه، می باید علاوه بر افزایش بهره‌زایی ملی، افزودن بر سطح بهره‌زایی روستاییان را نیز در کانون توجه قرار دهند. این امر نه تنها بهره‌مندی روستاییان را از رشد اقتصادی، بلکه کمک آنها به چنین رشدی را تأمین خواهد کرد.

● اگر بناست که مفهوم توسعه پایدار، در "عصر حاضر" معنای واقعی داشته باشد، لازم است که رابطه نزدیک بین فقر جهانی و پایداری جهانی، به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. قشرهای انبوه فقیر که در روستاها در تلاش بقای روز بروزند، غالباً منابع لازم را برای ادامه زندگی خود ندارند. آنچه در این جوامع، در معرض خطر قرار دارد نه کیفیت زندگی، که خود زندگی است.

● به نظر کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (ایفاد)، بنا بر موازین سنجش فقر، در کشورهای ایران، اکوادور، گواتمالا، هند، مراکش، نیپال، پاکستان و تانزانیا، رشد سریع جمعیت، به گسترش فقر و افزایش تعداد فقیران انجامیده، ولی در فاصله سالهای ۸۸ - ۱۹۶۵ درصد جمعیت زیر فقر، در مناطق روستایی این کشورها کاهش یافته است.

- پایداری: فقر، ظرفیت مردم را برای بکارگیری منابع به شیوه پایدار کاهش می دهد و فشارهای وارد بر محیط زیست را تشدید می کند. برای تأمین پایداری، محتوای رشد، باید در جهت موادی و انرژی‌بری کم‌تر و عدالت توزیعی بیشتر تغییر یابد. (۱۵)

مقابله با فقر روستایی

آیا مقابله با فقر به طور اعم و با فقر روستایی به طور اخص، اساساً امکان پذیر است؟ آیا واقعاً در جهان امروز حذف نابرابری بین شهر و روستا برای مقابله با فقر تا چه اندازه‌ای عملی است؟ آیا این خواسته نیز، نظیر همه آرمانهای والای گذشته غیر عملی نیست؟ با وجود همه کوششها و با وجود همه پیشرفت‌های مداوم علمی و تکنولوژی جوامع بشری و نیز با وجود گسترش و توسعه بی وقفه بنیادهای اقتصادی و تولیدی، به طور پیوسته هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، به میزان فقر در جهان امروز، افزوده شده است. این وضع در جهان سوم به طور اعم و مناطق روستایی

به طور اخص، چشمگیرتر است. با این حال، دانشمندان اقتصادی و اندیشمندان و متفکران اجتماعی، هرگز امید به از بین بردن فقر را از دست نداده‌اند و در هیچ دوره‌ای از طرح این پرسش بازنایستادند، که چگونه و از چه راههایی می‌توان با فقر مقابله کرد؟

در چهاردهم اخیر، برای مقابله با فقر، روشهای متفاوتی در چهارچوب الگوهای توسعه، به خصوص در روستاهای جهان سوم، اتخاذ و اجرا شده‌است. مهم‌ترین روشهای به کار بسته شده، در این زمینه، به شرح زیر است:

- ۱ - افزایش دسترسی طبقات فقیر، به سرمایه‌ها و داراییهای تولیدی در روستاها.
 - ۲ - بالا بردن بازده سرمایه متعلق به طبقات فقیر روستا.
 - ۳ - بهبود فرصتهای اشتغال برای فقرا در روستا.
 - ۴ - تأمین دسترسی فقرا، به خدمات بهداشتی و آموزشی در روستاها.
 - ۵ - تکمیل امکانات و منابع مالی فقرا، از طریق پرداختهای ثانویه (درآمدهای ثانویه) در روستاها. (۱۶)
- در برخی از دیگر کشورهای جهان سوم، از جمله در کشور هند، راهها و تدابیر برنامه‌ای خاص، برای مقابله با فقر در نقاط روستایی فقیر، در پیش گرفته شده‌است که اهم آن به قرار زیر است:

- ۱ - برنامه کلی توسعه اشتغال در مناطق روستایی
 - ۲ - برنامه تضمین اشتغال بی‌زمینان در مناطق روستایی
 - ۳ - برنامه احیای مناطق خشک و مستعد
 - ۴ - برنامه غذا به ازای کار
- در مالزی نیز، برنامه فقرزدایی شامل عناصر استراتژیک است که اهم آن، از این قرار است:
- ۱ - بازسازی اراضی موجود و حاشیهای
 - ۲ - توسعه اراضی زیر کشت
 - ۳ - بازسازی و عمران روستاها و نواحی قبیله‌ای با هدف افزایش بهره‌وری درآمد کشاورزان خرده‌پا، که به تولید کائوچو و شلتوک اشتغال دارند.
 - ۴ - اجرای طرحهای اسکان مجدد. (۱۷)

پی نوشتها

- ۱ - یافته‌ها و توصیه‌های ما بر منابع زیر مبتنی است: مطاعات تفصیلی نوشته‌های منتشر شده و منتشر نشده در این زمینه، مشاهده‌های شخصی ما از عملیات اجرایی برنامه‌های رفیع محرومیت در کشور و بعضی از کشورهای جهان سوم و استفاده از تجربه‌های

بسیاری از همکاران در دانشگاهها به ویژه از تجربیات با ارزش یاران در وزارت جهاد سازندگی که پرچمدار رفیع محرومیت یا بهتر بگوئیم "مظلومیت" در محرومترین روستاهای کشور هستند.

۲ - Population Refereneer surcau, Inc, Mai 1995

۳ - United Nations. Population

Division 1994

۴ - Jean - Bernard charrier, Villeset Campagnes. paris, masson, 1988

۵ - همان منبع

۶ - Bhosshan and Misra, vol. J _ India P.37

۷ - Sec Theodore W.Schults, ed, "Distortion of Agricultral

Incentres": Indiana university 1978

۸ - Human development report 1994

۹ - فقر مطلق، یعنی، زندگی کردن در شرایطی که سطح تغذیه ناکافی، بیسواد و بیماری در آن پایین‌تر از هر گونه تعریف معقول شخصیت و لیاقت انسانی قرار داشته باشد. درآمد سرانه در این مناطق از ۵۰ دلار در سال کمتر است (به دلار ۱۹۶۹). این سطح از درآمد است که برای تأمین حداقل شرایط برای زندگی ناکافی شناخته

شده‌است.

Der grosste Hunger herrscht avsgerechnet and demland in : Frank furter Rundshav Vom 29.6.1993

۱۱ - گرسنگی سپاه، یعنی گرسنگی که به واسطه ضایعات طبیعی مانند خشکسالی، سیل، زلزله یا به واسطه جنگ بوجود می‌آید. گرسنگی سفید در اثر بدی و کمی مستمر تغذیه بوجود می‌آید، که هر دو، نشانه بارز فقر مطلق است.

۱۲ - فقر و روستا (مجموعه مقالات) برگرفته از کتاب The

state of world rural انتشارات ایفاد ۱۹۹۲ مترجم: ابراهیم زاهدی عبقری

۱۳ - World Health organization

۱۴ - همان منبع بالا ص ۳۷

۱۵ - گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ ص ۳۰

۱۶ - کاهش فقر و تعدیل ساختاری - لیونل دسری ونونی

ادیسون، ترجمه در مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۰ ص ۵ و ۶

۱۷ - Jazary, I. Alomgir.M.Panuccio

T.(1992) the state of world rural poverty. Ifad. Rome.

جدول A: جمعیت مناطق روستایی که در زیر خط فقر به سر می‌برند. در کشورهای منتخب ۱۹۶۵ و ۱۹۸۵

ردیف	نام کشور	نسبت جمعیت روستایی واقع در زیر خط فقر		جمعیت مناطق روستایی			تغییر جمعیت روستایی واقع در زیر خط فقر (۱۹۸۵ - ۱۹۶۵)
		۱۹۶۵	۱۹۸۵	در صد از کل (هزار نفر)			
		۱۹۶۵	۱۹۸۵	۱۹۶۵	۱۹۸۵	فرد سر کل	
۱	آرژنتین	۱۱	۲۰	۲۳۲۲	۱۲	۲۵۲۲	-۱۲۴
۲	بنگلادش	۸۲	۸۲	۵۲۶۸۲	۶۲	۵۵۰۰۲	۲۶۲۲۶
۳	بولیوی	۱۷	۲۲	۲۲۰۲	۶۰	۲۲۱۰	۱۲۶۹
۴	برزیل	۶۶	۶۲	۲۱۸۴۲	۵۰	۱۵۵۲۰	-۱۶۲۲
۵	کلمبیا	۲۵	۵۲	۲۲۸	۱۸	۱۱۲۱	۲۲۲
۶	چین	۲	۱۲	۵۵۲۰۲	۸۱	۸۱۲۶۸۱	۲۲۲۸
۷	کوبا	۵۲	۵۲	۸۰۰۲	۲۱	۲۲۱۱	-۱۰۷
۸	کانادا	۲۰	۲۲	۶۱۷	۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲
۹	آلمان	۵۵	۵۵	۲۱۲۲	۲۲	۲۵۸۲	۸۷۱
۱۰	سوئد	۱۷	۲۲	۱۲۲۲۲	۵۹	۲۲۹۰۲	۲۲۲۲
۱۱	سوئیس	۲۵	۲۵	۲۵۰۰۲	۶۲	۲۱۲۲	۵۲
۱۲	ایران	۲۰	۲۰	۲۱۲	۶۸	۲۱۵	-۱۱
۱۳	اسپان	۲۱	۲۱	۲۶۰	۶۶	۲۱۵	۱۵۵
۱۴	کوبا	۸۵	۸۲	۲۲۹	۸۲	۲۶۸	۲۰۲
۱۵	ژاپن	۵۲	۵۲	۵۲۸۷	۶۲	۵۲۸۷	۲۲۸۰
۱۶	آلمان	۶۲	۶۲	۲۰۰۶	۶۲	۵۱۱۲	۱۲۵۰
۱۷	فرانسه	۸۰	۸۰	۲۲۱۸	۸۲	۲۲۲۲	۸۱۱
۱۸	هند	۲۲	۲۲	۲۰۰۰۲	۸۱	۲۵۰۰۲	۲۲۲۰
۱۹	اندونزی	۲۷	۲۷	۲۵۰۰۲	۸۲	۲۵۰۰۲	-۲۲۲۲
۲۰	سوئد	۲۸	۲۰	۱۵۵۸۲	۶۲	۲۲۶۰۵	۱۲۶۰
۲۱	آلمان	۱۷	۱۷	۵۲۲	۵۲	۱۰۰۵	۷۵
۲۲	کوبا	۵۵	۵۵	۸۱۱	۶۱	۱۸۰۰۵	۲۲۲
۲۳	سوئد	۱۱	۱۱	۱۲۰۰	۸۸	۱۲۶۲	-۵۲۲۲
۲۴	سوئد	۵۵	۵۵	۶۰۲	۶۶	۱۲۶۱	-۷۲
۲۵	مالاوی	۶۰	۶۰	۲۷۸۱	۶۵	۲۸۰۲	۲۲۱۰
۲۶	مالی	۲۲	۲۲	۲۲۲۲	۶۲	۲۸۱۲	-۱۲۸۲
۲۷	مالی	۲۸	۲۲	۲۲۰۲	۸۱	۲۰۰۵	۲۲۲۲
۲۸	مکزیک	۲۶	۵۱	۲۰۰۶۸	۲۵	۲۲۲۸	۲۲۲۱